

روش تأویل

کاوه تیموری
مدرس روش تحقیق تربیت معلم

اشاره

«روش تأویل» یکی از روش‌های تحقیق در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی است. ماهیت و ویژگی این روش با مطرح شدن روش تحقیق کیفی در روزگار فعلی همخوانی و تناسب دارد. لذا مرور مفاهیم پایه در آن می‌تواند برای مخاطبان مفید باشد. موضوع فهم و درک معنای رفتار و راه یافتن به درون مایه اصلی متن از اصول مبنایی «هرمنوتیک» است. در این مقاله مؤلف به چند اثر مهم در زمینه تأویل مراجعه کرده و با اقتباس و تألیف، به تبارشناسی لغوی و محورهای این نحله روش شناختی پرداخته است. این مقاله از آنجا که به شماری از آرای صاحب‌نظران اصلی تأویل توجه کرده است، پیش‌زمینه‌ای برای مطالعه بیشتر تأویل و آشنایی با ظرفیت‌های روش‌شناسانه آن فراهم می‌آورد.

رشد آموزش علوم اجتماعی

مقدمه

مبحث «روش‌شناسی»^۱ در جامعه‌شناسی به‌طور خاص و در علوم اجتماعی و علوم انسانی به‌طور عام همواره مورد توجه صاحب‌نظران و محققان بوده است. درگیر شدن علوم انسانی با پدیده انسانی و شناخت و تحلیل زوایا و گوشه‌های ناپیدا و مبهم این پدیده‌ها، شیوه‌های شناخت را از صافی‌ها و مجراهای گوناگونی محک زده است. اعتبار روش در شناخت مسائل اجتماعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌همین سبب، مطالعه دیدگاه‌های نظری و علمی در مورد نگرش به راه‌های مطالعه در علوم اجتماعی، از نوسانات و تغییر مسیرهای زیادی حکایت می‌کند. «از دیدگاهی، روش‌شناسی مطالعه منظم و منطقی اصولی است که تفحص علمی را راهبری می‌کنند. از این دیدگاه، روش‌شناسی شاخه‌ای از منطق و یا حتی فلسفه است. دیدگاه دیگر، روش‌شناسی را شاخه‌ای از علم می‌داند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳-۲۲). در مقابل، تالکوت پارسنز در اثرش با عنوان «ساخت عمل اجتماعی» می‌نویسد: «روش‌شناسی در اصل با روش‌های پژوهش تجربی، نظیر آمارشناسی، مطالعه موردی، مصاحبه و غیره سروکار ندارد بلکه ملاحظه زمینه‌های کلی برای اعتبار کار علمی است. پس روش‌شناسی نه دقیقاً یک رشته فلسفی و نه دقیقاً رشته‌ای علمی است» (پیشین).

به‌همین سان، اهمیت روش‌شناسی تا آنجاست که ارزش و اعتبار تحقیقات اجتماعی در مرحله اول با بررسی روش‌شناسانه آن‌ها آغاز می‌شود. بحث پیرامون وحدت روش در علوم طبیعی و علوم انسانی، آرای اندیشمندان پوزیتیویست، جامعه‌شناسی تفهیمی، نحله فکری اندام‌گرایان، شیوه نگرش رفتارگرایان و نهایتاً بحث پیرامون آیین «تأویل» و «مباحثی از این دست، محورهای عمده در روش‌شناسی را بنا نهاده‌اند. پویایی و پرمایه شدن روش‌های تحقیق در علوم انسانی مدیون نقدها و کالبدشکافی‌هایی است که توسط صاحب‌نظران در این حوزه انجام پذیرفته‌اند. با نقد معیاری فراهم می‌شود که می‌توان بین روش‌های مفید و روش‌های غیرکارا مرزبندی کرد. بدیهی است در مواردی که انسان اندیشه یا سخنی را به سادگی می‌پذیرد و در آن غور نمی‌کند، در واقع از نقد خودداری کرده است.

کلیدواژه‌ها: روش تأویل، روش‌شناسی، هرمنوتیک

تأویل

الف. مفهوم لغوی

تأویل ترجمه «Hermeneutic» است که در فارسی در معانی بازگردانیدن، بازگشت کردن، تفسیر کردن، بیان کردن، شرح و بیان کلمه یا کلام به‌طوری که غیر از ظاهر آن باشد، معنی شده است. بعضی نیز از کلمه «نهان‌بینی» در ترجمه هرمنوتیک استفاده کرده‌اند (فروند، ۱۳۷۲: ۴۵).

ناصر خسرو در «جامع‌الحکمتین» نوشته است: «... و تأویل باز بردن سخن باشد به اول او، و اول همه موجودات ابداع است که به عقل متحد است و مؤید همه رسولان عقل است» (به نقل از احمدی، ۱۳۷۱: ۴۹۷).

واژه «هرمنیا» از نام هرمس آمده است و هرمس رسول و پیام‌آور خدایان بود. پیوند میان نامیرایان و میرندگان که گاه خبرهای خوش داشت و گاه اخبار شوم... در «رساله کرایتوس» افلاطون تأکید شده که هرمس خدایی است که زبان گفتار را آفریده، و هم تأویل‌کننده است و هم پیام‌آور (همان: ۴۹۶).

«دایرة‌المعارف علوم اجتماعی» در این زمینه چنین می‌نویسد: «در اصل از لغت هرمس به معنای خدای بال‌دار گرفته شده است. وظیفه هرمس انتقال پیام‌های خداوند به بشر است. کشف رموز و معانی و پیوند دنیای نهان و آشکار را به هم عملی می‌سازد و معنای علامت یا شاخص‌ها را می‌شناساند» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۰۸).

ب. مفهوم تاریخی هرمنوتیک

هرمنوتیک را می‌توان «آیینی» با سابقه و بسیار کهن دانست. روش تأویل ریشه در باور به «تقدس متن» دارد. هرمنوتیک کهن به معنای اصلی و نهایی متن باور داشت. بنا بر بنیان این نگرش، هر متنی که انسان نوشته باشد، معناهایی دارد که مراد ذهن مؤلف بوده است و کشف نیت مؤلف هر چه هم کاری دشوار باشد، ناممکن نیست. در میان مسلمانان، اخوان الصفا حروفیان، اسماعیلیان، باطنی‌ها و اهل تصوف، تأویل رمزی کلام خداوند را یکتا راه سعادت می‌شناختند و روش تأویل را کامل کردند.

حکایت‌هایی که در قرآن مجید آمده‌اند، دارای معناهای قدسی، باطنی و مرموزی هستند که رخدادهایی در «جهان

اندیشه در باب روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی - انسانی است. اساس این اندیشه بر گزاره‌های زیر متکی است:

۱. ذهنی بودن پدیده‌های اجتماعی

۲. ارزشی بودن پدیده‌های اجتماعی که درک آن‌ها با فهم ارزش‌ها مقدور است.

۳. ادراک یا تجربه حسی که در رفتارگرایی مرسوم است و با مشکلات زیر روبه‌روست:

● ادراک تفاوتی و تفاضلی

(هر کسی از ظن خود شد یار من

وز درون من نجست اسرار من)

● ادراک انسانی‌گزینشی است.

● ادراک انسانی ارزشی است.

● شناخت واقعیات حیات انسانی که بدون در نظر گرفتن متن یا مجموعه‌امکان‌پذیر نیست.

● وجود آگاهی در انسان که مانع از کوشش اصحاب نحلّه طبیعت‌گرا مبنی بر وحدت روش در علوم اجتماعی می‌شود (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۰۸-۹۰۷).

در «فرهنگ وبستر» آمده است: «روش تأویل مطالعه اصول روش‌شناختی تأویل و تبیین است.» (همان: ۹۰۸).

ملاحظه می‌شود که روش فوق به‌عنوان یکی از شیوه‌های مطالعه در علوم اجتماعی، در صدد است با پی بردن به معنی

عمل انسانی ورای روش‌های تجربه‌گرایی و تبیین، بیندیشد. کاستی‌هایی که در این روش‌ها وجود دارد باعث شد که تأویل

مورد توجه بیشتری قرار گیرد. در حقیقت، از این چارچوب روش‌شناختی در اصطلاح خاص علوم اجتماعی به‌عنوان

«جامعه‌شناسی تفسیری» یاد می‌کنیم.

مکتب جامعه‌شناسی تفسیری با مکاتبی همچون «مکتب تفهیمی» یا درون‌فهمی که پایه‌گذار آن ماکس وبر، جامعه‌شناس

شهیر آلمانی است، ارتباط تنگاتنگی دارد. در واقع، شرط نخست برای تفسیر رفتار و کنش اجتماعی همانا ایجاد همدلی و

درون‌فهمی نسبت به کنشگر است. مکتب انتقادی، پدیدارشناسی یا فنومنولوژی، و مکتب اتنومتولوژی و دیدگاه وینچ و هایک نیز

در ارتباط و همسویی با این مکتب هستند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که اصحاب تأویل برای رفع بن‌بست تجربه‌گرایی که تنها خود را به تجربه حسی و مشاهده

معنی را بیان می‌کنند. هانری گربن بارها از همانندی هرمنوتیک قرآن و هرمنوتیک عرفانی مسیحی یاد کرده است. بنا بر این بنیان فکری، آیه‌های قرآن مجید جدا از معناهای ظاهری‌شان، دارای معانی پنهانی و باطنی هستند که به درجات برای برگزیدگان و اهل معرفت و سلوک روشن می‌شوند. حدیثی نبوی - از قول سلمان فارسی - آمده است: «هر امری را باطنی است و ظاهری». در حدیث مشهور دیگری آمده است: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَ بَطْنًا وَ لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَيَّ سَبْعَةُ أَبْطُنٍ.»

به بیان مولوی در «مثنوی»:

همچو قرآن که به معنی هفت توست

خاص را و عام را مطعم در اوست

از تمایز ظاهر و باطن به تمایز تفسیر و تأویل می‌رسیم. تفسیر بیان معناهای ظاهری قرآن مجید است؛ چنان‌که متن در ظاهر ادبی خود می‌نماید. تفسیر بدین‌سان، شناخت واژگان، قاعده‌های دستوری، قاعده‌های ادبی و زبان‌شناسانه، اشارات تاریخی و حقوقی، و غیره است. هدف از تفسیر درک دقیق‌تر خواننده از متن است. واژه تفسیر یک‌بار در قرآن آمده است.

تأویل متن کوششی برای راهیابی به معنای باطنی هر حکایت است. این واژه در هفت سوره و شانزده آیه قرآن مجید آمده است (احمدی، ۱۳۷۱: ۵۰۴).

پ. مفهوم روش‌شناسانه هرمنوتیک

«هرمنوتیک در معنی امروزی عبارت است از نظریه‌ای در خصوص فهمیدن و دریافت علمی روابط افکار انسانی. نحوه عمل مبتنی بر هرمنوتیک، بدو به معنای تقریبی چیزی چون تفسیر کردن، فهمیدن، خود را در چیزی احساس کردن، خود را به‌جای چیزی گذاشتن، به‌طور درونی درک کردن، در آن مشارکت داشتن و رابطه معنا را دریافتن است.

منظور از فهمیدن در این معنی، چیزی است مانند آنچه در گفت‌وگوهای متداول به‌کار می‌رود: این را می‌توانم به خوبی بفهمم و یا: آیا تو مقصود مرا می‌فهمی؟ یعنی آیا تو می‌توانی مقصود مرا درک کنی و آنچه را من احساس می‌کنم، تو نیز احساس می‌کنی؟» (بانکی و کارل رته، ۱۳۷۱: ۲۷).

در همین معنا، «دایره‌المعارف علوم اجتماعی» چنین می‌نویسد: «تأویل یا هرمنوتیک یکی از مهم‌ترین جریان‌های

«هرمنوتیک»

در معنی

امروزی

عبارت است

از نظریه‌ای

در خصوص

فهمیدن

و دریافت

علمی روابط

افکار انسانی.

نحوه عمل

مبتنی بر

هرمنوتیک،

بدو به معنای

تقریبی

چیزی چون

تفسیر کردن،

فهمیدن، خود

را در چیزی

احساس

کردن، خود

را به‌جای

چیزی

گذاشتن،

به‌طور

درونی درک

کردن، در

آن مشارکت

داشتن و

رابطه معنای

دریافتن

است

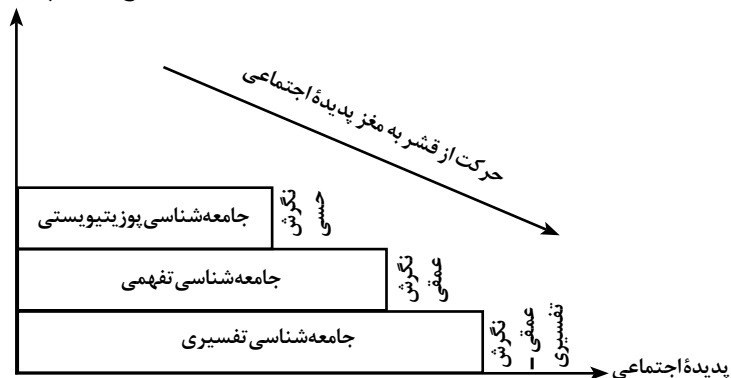
در علوم طبیعی و علوم انسانی محدود کرده بود، شکل گرفت. از سوی دیگر، با وجود اینکه اصل درون‌فهمی یکی از مبانی اساسی این مکتب است، اصحاب این مکتب فراتر از مشاهده و درون‌فهمی رفته‌اند؛ به طوری که پس از مشاهده و ایجاد درون‌فهمی پدیدار اجتماعی، دست به تفسیر و تأویل آن می‌زنند که این امر با ایجاد حلقه تأویل و «منظومه» که در برگیرنده منظومه تاریخی-اجتماعی و تمام پارامترهای شبکه عامل است در نهایت به تفسیر نهایی پدیده نائل می‌شود. در نمودار ۱، روش هرمنوتیک با دو روش «تجربه‌گرایی» و «جامعه‌شناسی تفهیمی» از نظر عمق شناخت پدیده مقایسه شده است.

ملاحظه می‌شود که سطح شناخت پدیده اجتماعی در جامعه‌شناسی تفسیری، به عمق و کنه پدیده نزدیک‌تر است و درون‌فهمی و تجربه‌گرایی در مرحله بعد قرار می‌گیرند. در این روش، عامل شناخت از پوسته به عمق حرکت می‌کند و نهایتاً پس از فهم و ادراک پدیده، با نگاهی عمیق و در نظر گرفتن جوانب متن و محیط و قرار دادن آن در کل مجموعه و در نظر داشتن سایر اجزاء، واقعیت شکافته می‌شود.

صاحب‌نظران مکتب تأویل و توسعه آن

همان‌گونه که در تبیین مفهوم تاریخی روش تأویل بیان شد، حوزه گسترده علوم انسانی، به‌عنوان یکی از جریان‌های مهم اندیشه، از این روش بهره می‌برده و محور اصلی آن در الهیات و فلسفه بوده است. ژولین فروند، در اثرش «آرا و نظریه‌های علوم انسانی» چنین می‌نویسد: «تا دوره جدید، تأویل راهی بود که تقریباً تنها نظریه‌پردازان آلمانی آن را در پیش می‌گرفتند. البته شلایر ماکر نخستین کسی بود که این روش را به مقامی که قادر است علوم انسانی را وحدت بخشد، ارتقا داد. اما این شیوه پیش از او نیز به‌وسیله صاحب‌نظران دیگر مثل فریدریش آست

سطح شناخت پدیده



نمودار ۱. مقایسه انواع روش‌های شناخت

(۱۸۴۱-۱۷۷۸) و فریدریش اوگوست ولف (۱۸۲۴-۱۷۵۹) در الهیات و فلسفه به کار بسته شده بود» (فروند، ۱۳۷۲: ۴۵). این روش در بسیاری از علوم انسانی مورد استفاده قرار گرفت و «در علوم دیگری که با مسائل تفسیر احوال دیگران سروکار داشتند نیز از این روش اقتباس شد. بدین ترتیب، تأویل قضایی و تاریخی، باستان‌شناختی و درون‌شناختی و نظایر آن به‌وجود آمد» (پیشین).

هایدگر (فلسوف اگزیستانسیالیسم)، و **گادامر** و **پل ریکور** که از اصحاب پدیدارشناسی هستند از صاحب‌نظران این مکتب‌اند. پل ریکور معتقد است: «هرمنوتیک را باید شاخه‌ای از درخت پدیدارشناسی دانست» (احمدی، ۱۳۷۱: ۵۱۳).

هابرماس، از صاحب‌نظران این مکتب است و در آثار **فریود** نیز این روش علمی دیده می‌شود. توجه فریود به روانکاوی و رازها و رمزهای درونی اندیشه آدمی و تلاش در جهت شناخت رؤیا و ژرفا، به‌همین معنا توجه دارد. در این زمینه نوشته شده است: «... فریود دستگاه پیچیده‌تری از مناسبات درونی نشانه‌ها را کشف کرده است و همین نکته کارش را به نویسندگان و شاعران همانند می‌کند. فریود در مقاله‌ای درباره **گرا دیوا** اثر نیسن نوشته است که شاعران و رمان‌نویسان مهم‌ترین متحدین روانکاوان هستند. آن‌ها حتی چیزهایی می‌بینند که روانکاوان از عهده درک آن‌ها نیز بر نمی‌آیند» (همان: ۵۱۵).

بیتی از استاد **شهریار ناظر** به مقصود فریود می‌تواند باشد: شهریارا دم الهام به هر کس ندهند
خواجه گر دم زد از این قصه دمی ملهم زد
مشهور است که وقتی از فریود پرسیدند استادان او چه کسانی هستند، بنیان‌گذار روانکاوی به قفسه‌ای از کتابخانه‌اش اشاره کرد که در آن آثار ادبی چیده شده بود. فریود تأکید کرده است که هرچند ادراک علمی مسلط، به تأویل رویا باور ندارد اما او بدان معتقد است. خود فریود از قول شلایرماخر نقل کرده است: «کنش خواب با ظهور عقاید و تصاویر ناخواسته ما همراه است.» فریود کشف کرده که هر رویا یک میانجی است میان اشتیاق و متن. رویا «کلید شناخت» ژرفناست. معنا از تأویل عناصری که در محدوده تجلی هر سخن جای دارند، به‌دست نمی‌آید، بلکه همواره باید در لایه‌های ژرف‌تر در پی آن بود. فریود بدین‌سان به هرمنوتیک راستای تازه‌ای را نشان داد: «حرکت به سوی سرچشمه‌های معانی و دلالت» (پیشین).

با این حال گوهر اندیشه هرمنوتیک را باید نزد **ویلهم دیلتای**، فیلسوف پراج آلمانی، جست‌وجو کنیم که اندیشه‌های بنیانی تأویل‌گرایی را با آثار و افکار خود پایه‌گذاری کرد.